

بررسی همخوان‌های میانجی در گویش تاتی جوینی

دکتر سید مجتبی میرمیران * mirmiran@guilan.ac.ir

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

دکتر علی عزیزاده جوینی

دکترای زبان و ادبیات فارسی

چکیده

واژگان کلیدی
 * همخوان میانجی
 * گویش رودباری
 * گونه تاتی جوینی
 * تلاقی واکه‌ها
 * هم‌آیی پیشوندهای فعلی

گویش تاتی رودبار زیتون تنها نماینده زبان تاتی در استان گیلان است که بویژه تحت تأثیر فارسی رسمی و گویش همجوارگیلیکی قرار دارد و رو به اضمحلال می‌رود. شمار گویشوران تاتی در شهرستان رودبار، چهل تا پنجاه هزار تن برآورد شده است. گستردگی رودبار، شرایط ویژه جغرافیایی و بافت کوهستانی آن و وجود سپیدرود، موجب شده میان گونه‌های متفاوت گویشی و از جمله گویش تاتی رودبار، تفاوت‌هایی شکل گیرد که تمایز آنها در شاخص‌های صرفی، نحوی و واژگانی جلب توجه می‌کند. این مقاله به معرفی همخوان‌های میانجی و تحولات آنها در گویش جوینی به عنوان یکی از گونه‌های گویش تاتی رودبار می‌پردازد. این مقاله نشان می‌دهد که همخوان‌های میانجی که در گویش جوینی بنا به ضرورت‌های دستوری یا ساختواژی مورد استفاده قرار می‌گیرند، عبارت از -j، -v، -n، -k، -h، -g و -r می‌باشند. از میان این همخوان‌های میانجی، آنها که در ملتقای دو واکه در پیشوندهای فعلی مورد استفاده قرار می‌گیرند، عبارت از -j و -r می‌باشند که بویژه میانجی -r- کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

مقدمه

رودبار زیتون با جمعیتی بالغ بر ۱۰۲ هزار نفر (اصلاح عربانی، ۱۳۸۷: ۱۱۱۵) شهرستانی پهناور است که نزدیک به نیمی از بافت جمعیتی آن را تات‌ها تشکیل می‌دهند. گستردگی شهرستان رودبار از یک سو و بافت کوهستانی و شرایط جغرافیایی آن از سوی دیگر به انضمام عبور سپیدرود از وسط رودبار که این شهرستان را به دو پاره شرقی و غربی تقسیم می‌کند، موجب شده است بخش بزرگی از جمعیت این شهرستان در قالب توده‌های جمعیتی در روستاهای دور از یکدیگر در دره‌ها و دامنه کوه‌ها پراکنده شوند. این شرایط اقلیمی و محیطی در گذر زمان در ارتباط زبانی میان گویشوران تاتی رودبار تا اندازه‌ای اختلال ایجاد کرده و به ایجاد فاصله زبانی میان گونه‌ها انجامیده و مانع انسجام آنها شده است. همچنین وسعت شهرستان رودبار، تنوع شرایط آب و هوایی و محیطی آبادی‌های آن و تفاوت آنها در اختلاف ارتفاع از سطح دریا موجب شده است در پوشش گیاهی و جانوری و در نتیجه فرآورده‌های کشاورزی و دامی، شکل زیست و پیشه‌ها و مشاغل باشندگان آن تفاوت‌های شگرفی پدید آید که این امر نیز به نوبه خود به تفاوت واژگانی میان گونه‌های تاتی افزوده است. مثلاً در حالی که باشندگان آبادی‌های حاشیه سپیدرود به کشت برنج می‌پردازند، ساکنان ارتفاعات، بیشتر به دامداری و کشت گندم و جو و باغداری اشتغال دارند و در حالی که اقتصاد برخی روستاها اساساً به کشت زیتون متکی است، در برخی دیگر به دلیل ارتفاع از سطح دریا اساساً زیتون به عمل نمی‌آید. همچنین وجود توده‌های جمعیتی که به گویش‌ها و زبانهای دیگر از جمله کردی، ترکی، لری، تالشی و گالشی سخن می‌گویند، میان آبادی‌های تات نشین، مانع انسجام زبانی گویشوران تاتی شده است. این ویژگیها موجب شده است میان گویش‌های تات نشین که در جای جای شهرستان پراکنده هستند، در طول زمان، تفاوت‌های محسوسی در واژگان، صرف و نحو و شاخص‌های دستوری پدید آید و مانع از شکل‌گیری یک گونه مشخص و هویت متمایز و همه‌پذیر برای گویش تاتی رودبار شود. این تفاوت‌ها چنانکه خواهیم دید، تا اندازه‌ای شامل همخوان‌های میانجی هم می‌شود. از این رو در این مقاله که به بررسی همخوان‌های میانجی در گویش رودباری می‌پردازد، ترجیح داده شد بر گونه‌جویی به عنوان یکی از گونه‌های گویش تاتی رودبار تمرکز شود. روستای جوبن یکی از پانزده دهستان رستم آباد جنوبی با جمعیتی بالغ بر ۱۵۰۰ نفر است که ساکنان آن به گویش تاتی سخن می‌گویند. البته تاتی

رودبار متأثر از فارسی رسمی و گویش گیلکی قرار دارد و در حال از دست دادن شاخص‌های تاتی و رو به اضمحلال در فارسی و گیلکی است. هرچه از رودبار به سمت رشت حرکت می‌کنیم، بر تأثیر گیلکی افزوده می‌شود، بگونه‌ای که گویش آبادی‌های مرزی رستم‌آباد شمالی بسیار به گیلکی رشت نزدیکی می‌برد.

یکی از موضوعات مهم در بررسی زبان‌ها و گویش‌ها، پراکندگی صامت‌های میانجی و شرایط کاربرد آنها است. صادقی در تعریف همخوان میانجی آورده است: همخوان میانجی به همخوانی گفته می‌شود که در روی زنجیر گفتار، برای جدا کردن دو واکه که معمولاً اولی در پایان تکواژ قبلی و دومی در آغاز تکواژ بعدی قرار دارد به کار می‌رود. برخورد دو واکه به این صورت در اصطلاح، التقای واکه‌ها (hiatus) نامیده می‌شود. ویژگی همخوان‌های میانجی در این است که در زبان تقریباً در تقابل با هیچ واج دیگری قرار نمی‌گیرند و در نتیجه تمایز معنایی ایجاد نمی‌کنند. (صادقی، ۱۳۸۰: ۲۵)

برخلاف واج‌ها که به کارگیری آنها به اراده و انتخاب کاربران زبان وابسته است، به کاربرد همخوان‌های میانجی را ضرورت‌های زبانشناسی به کاربران تحمیل می‌کند. از این رو همخوان میانجی، همخوانی است زاید که پدیدار شدن آن وابسته به محور همنشینی و ناشی از بافت آوایی دستوری است. (نجفی، ۱۳۵۸: ۵۸) غیرگزینشی بودن توزیع همخوان‌های میانجی بدان معناست که این همخوان‌ها از نظر ساختی و واجشناسی، دارای نقش مساوی هستند و هیچ کارکردی جز جلوگیری از توالی واکه‌ها ندارند. (حق شناس، ۱۳۷۰: ۲۷۳) اما ضرورت‌های زبانشناسی که کاربران زبان گفتار را مجبور به استفاده از همخوان‌های میانجی می‌کند، ممکن است آوایی، صرفی (دستوری) یا واژگانی باشند. (شقایق، ۱۳۷۸: ۹) توزیع این همخوان‌ها را آرایش واکه‌های پیشین و پسین تعیین می‌کند. بدین معنا که انتخاب همخوان‌های میانجی، بر پایه مشابهت‌هایی است که این میانجی‌ها در مشخصات آوایی با واکه پیشین یا پسین و یا با هر دو دارند. (مشکوٰه‌الدینی، ۱۳۸۰: ۱۴۱)

صادقی در بررسی همخوان‌های میانجی در زبان فارسی، همخوان‌های -y-مانند Pâ-y-iz، -?، -مانند pâ?in، -g-مانند xastagi، -k-مانند niyâ-k-ân، -d-مانند bedin، (t)مانند zdateš، (v/w)مانند zâno(v/w)ân، (h)مانند bâhâš، -j-مانند kâr-xâne-j-ât

(č) مانند *anzali-č-i* را ذکر کرده است (صادقی، ۲۵:۱۳۸۰) اما همخوان‌های میانجی که از بررسی شواهد واژگانی در گویش جوبنی شناسایی شده اند عبارت از همخوان‌های *-j*، *-y*، *-n*، *-k*، *-h*، *-g* و *-r* می باشند. در این گویش همخوان‌های میانجی *-j* و *-r* همچنین در هم آیی پیشوندهای فعلی نیز به کار می روند که در نوع خود قابل توجه است. بدین ترتیب در سنجش با فارسی معیار، همخوان‌های *-?*، *-d* و *-t* و *-v* و *-w* و *-č* در گویش جوبنی به کار نمی روند. در مقابل در این گویش، میانجی‌های *-n* و *-r* به کار می روند که در فارسی معیار دیده نمی شوند. میانجی‌ها در گویش جوبنی، هم در صرف و هم در نحو زبان دیده می شود. استاجی و حسینی در بررسی میانجی‌ها در گویش شاهرودی، به این نتیجه رسیده‌اند که پراکنش میانجی در زبان معیار، غالباً واجی و ساختوازی است و کاربرد میانجی در بافت نحوی، یک ویژگی گویشی است که در زبان معیار چندان به کار نمی رود. (استاجی و حسینی، ۲۰۹:۱۳۸۹) این موضوع، اهمیت و گستره کاربرد میانجی را در گویش‌ها نشان می دهد.

در این مقاله نخست توزیع همخوان‌های میانجی *-j*، *-y*، *-n*، *-k*، *-h*، *-g* و *-r* را در گویش جوبنی بررسی می کنیم و پس از آن به بررسی همخوان‌های میانجی *-j* و *-r* در هم آیی پیشوندهای فعلی خواهیم پرداخت. عبارات و جملات شاهد از گویش جوبنی که در این پژوهش به آنها استناد شده است، همگی از نخستین فرهنگ گویش تاتی رودبار (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹) استخراج شده اند. این واژه‌نامه که بر پایه گونه جوبنی نگاشته شده است، ذیل سرواژه‌ها متضمن عبارت هایی به عنوان شاهد مثال است که عیناً در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته اند. در پایان هر عبارت، صفحه مربوط به آن ذکر گردیده است. در موارد معدودی که شواهد کتاب قاصر بوده اند، از شواهد پژوهش‌های میدانی استفاده شده است. هر جا که ضرورت ایجاب کرده است، در تشریح همگونی‌ها و تفاوت‌ها، شواهدی از دیگر گونه‌های گویش تاتی رودبار، دیگر گویش‌های تاتی و یا گویش همجوار گیلکی با ذکر منابع به خدمت گرفته شده اند.

پیشینه بحث و پژوهش‌های پیشین

در سنجش با دیگر گونه‌های تاتی، گونه‌های تاتی رودبار تاکنون کمتر مورد توجه پژوهشگران

گویش‌شناسی قرار گرفته‌اند. تاکنون دو واژه نامه از گویش رودبار زیتون منتشر شده است. علیزاده جوبنی (۱۳۸۹) نخستین فرهنگ گویش تاتی رودبار زیتون را با تمرکز بر واژگان گونه جوبنی نوشته است. در دستور مختصر و نه صفحه‌ای بخش دیباچه این واژه‌نامه، به همخوان‌های میانجی اشاره‌ای نشده است. هاشمی تکلیمی در کتاب "پژوهشی در گویش رودباری" (هاشمی تکلیمی، ۱۳۹۱) که مشتمل بر فرهنگ واژگان این گویش به انضمام بررسی شاخص‌های دستوری آن است، از همخوان‌های میانجی سخنی به میان نیاورده است. سبزیعلیپور در کتاب توصیف گویش تاتی رودبار که به بررسی گونه تاتی روستای انبوه از گویش تاتی رودبار تمرکز دارد، به همخوان‌های میانجی اشاره کوتاهی داشته است. او از همخوان‌های میانجی تاتی انبوه، پنج مورد را ذکر کرده که عبارت از -y-، -k-، -h-، -g- و -a- می باشند. (سبزیعلیپور: ۱۳۸۹: ۴۰) که مورد اخیر، درست نمی نماید. مثالی که ایشان برای میانجی -a- ذکر کرده اند mer-a-bân است که -a- را در اینجا باید میانوند به شمار آورد.

درباره گونه تاتی جوبنی تاکنون فعالیت‌های پژوهشی معدودی انجام یافته است. حاجی زاده جوبنی (۱۳۹۰) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود، ساختار واجی و صرفی گونه تاتی جوبنی را بررسی نموده است. علیزاده جوبنی در مقاله فعلهای پیشوندی در گویش تاتی رودبار (۱۳۹۴) به معرفی و بررسی معناشناختی پیشوندهای فعلی در گونه جوبنی پرداخته است. راحله ایزدی فر (۱۳۹۴) در رساله دکتری خود نظام انطباق را در تاتی جوبنی در مقایسه با چهار گونه دیگر از زبان تاتی شامل تاتی اشتهاردی، تاکستانی، هزاررودی و کرینی بررسی کرده است. بدین ترتیب تاکنون همخوان‌های میانجی در گونه جوبنی چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است.

۱. توزیع همخوان‌های میانجی در گونه جوبنی

اکنون به بررسی همخوان‌های میانجی در تلاقی واکه‌ها در گونه جوبنی از گویش رودباری می پردازیم. یک نکته که شایسته توجه است این است که در گویش رودباری گاه دو واکه بدون میانجی در کنار یکدیگر قرار می گیرند که در اینصورت واکه دوم همواره تکیه بر است. این تلاقی حتماً ممکن است در یک واژه بسیط باشد مانند mâ'âr (مادر) و šâ'âl (شغال) که بواسطه همین تکیه و تمایز میان دو واکه از mâr (مار) و šâl (شال) تشخیص داده می شود.

همخوان‌های میانجی در گویش جوبنی عبارتند از همخوان‌های -j-، -y-، -n-، -k-، -h-، -g- و -r- که در بخش نخست به آنها خواهیم پرداخت. از میان آنها، میانجی‌های -j- و -r- در هم‌آیی پیشوندهای فعلی نیز به کار می‌روند که آنها را در بخش دوم بررسی خواهیم کرد.

۱.۱. همخوان میانجی -n-

۱.۱.۱. میانجی -n- در تلاقی دو همخوان و هنگامی به کار می‌رود که ضمیرهای mo (من)، to (تو)، âmâ (ما) و šomâ (شما) که به واکه ختم می‌شوند، پیش ازواژه ای که به واکه آغاز می‌شود بیایند: (۱)

mo-n-o to-n-o ame malle^m من و تو و معلّم مان

âmo-n-o šomo-n-o ame hamsâdon ما و شما و همسایگان ما

mo-n-om âhâm من هم می‌آیم

to-n-om ahay تو هم می‌آیی

نمونه در گونه تکلیمی: âme-n-am loxt âbem sânvâv konem

ما هم لخت می‌شویم شنا می‌کنیم. (هاشمی تکلیمی، ۱۳۹۱: ۳۵۲)

۲.۱.۱. وقتی اسم اشاره (i) (این) و (o) (آن) پیش از (â) نشانه مفعول بیاید:

o čuxâš e marday te čiye آن مرد بسیار لاغر با تو چه نسبتی دارد؟ (۱۱۷) (نقش نهادی)

O-n-â hič či nevâ âdiyan به او چیزی نباید داد (۳۰) (نقش مفعولی)

۲.۱. همخوان میانجی -g-

این میانجی در ساخت اسم مصدر از برخی اسم‌ها و صفت‌ها و در فاصله دو واکه e/ə و -i که وند ساخت اسم مصدر است، به کار می‌رود مانند:

hamsâde (همسایه) ← hamsâde-g-i

سبزعلیپور نیز xânanda-g-i را از گونه تاتی انبوه ذکر کرده است. (سبزعلیپور، ۱۳۸۹: ۴۱) البته چنانکه خواهیم دید، در گونه جوبنی، در ساخت اسم مصدر، غالباً در فاصله میان واکه پایانی صفت و وند اسم ساز، از میانجی -y- استفاده می‌شود و اسم‌های مختوم به -g- را می‌توان و امواژه‌هایی دانست که از فارسی رسمی به گویش رودباری راه یافته‌اند. در مجموع از آنجا که میانجی -g- در تاتی رودبار، تنها در ساخت اسم مصدر به کار می‌رود، با توجه به دوگانگی واکه پایانی در تاتی رودبار (a/e) می‌توان بافت واجی آن را به صورت a/e-g-i نشان داد.

۳.۱. همخوان میانجی -y-

این میانجی پربسامدترین میانجی در گویش رودباری است. مهم‌ترین موارد کاربرد آن به شرح زیر است:

۱.۳.۱. نشان جمع در گونه جوبنی (on) می‌باشد. (علیزاده، ۱۳۸۹: ۱۴) در این گونه، در ساخت جمع از واژگانی که به واکه‌های -i و -u ختم می‌شوند میانجی -y- در فاصله واژه و نشان جمع آورده می‌شود. در اسم‌های ختم شده به واکه -u یک وجه دیگر هم روا است و آن توالی دو واکه است که در این صورت، واکه دوم همواره تکیه بر است.

xâlu (دایی) ← xâlu-y-on/ xâlu'on (دایی‌ها)

lu (بوته) ← lu-y-on/ lu'on (بوته‌ها)

zuni (زانو) ← zuni-y-on (زانوان)

sezâvâri (رنج و عقوبت) ← sezâvâri-y-on (رنج‌ها و عقوبت‌ها)

sezâvâri-y-on bekašiyom tâ te râ peley âkordom

رنجها کشیدم تا تو را بزرگ کردم (۱۷۷)

kudi lu-y-on â pâ umani

روی بوته‌های کدو پا نگذاری (۲۳۹)

اما اگر اسم، به واکه‌های e- و â- ختم شود، در ساخت جمع، آن واکه با گردش واکی به O تبدیل می‌شود و سپس نشانه جمع به عنوان هجای تکیه بر، به آن افزوده می‌شود. مانند:

xone (خانه) ← xono'on (خانه‌ها)

xurde (بچه) ← xurdo'on (بچه‌ها)

kote (پسر) ← koto'on (پسران)

Pâ (پا) ← po'on (پاها)

Kelkâ (دختر) ← kelko'on (دختران)

iyâ ye jâ mardom e xono'on borâvar e

از اینجا خانه‌های مردم پیداست (۶۰)

me xurdo'on čekâček jing konon

فرزندانم همیشه دعوا می‌کنند (۱۱۲)

te po'on â eškenom

پاهایت را می‌شکنم.

۱.۳.۲. در گویش رودباری اسم مصدر معمولاً از افزودن ا- به پایان اسم یا صفت افزوده می‌شود. لذا در ساخت اسم مصدر از اسم‌ها و صفت‌هایی که به واکه ختم می‌شوند، نیاز به میانجی

است که این میانجی گاه-*y* می باشد. اگر واکه پایان اسم، *â* باشد، به *e* تبدیل می شود.

gorsene (گرسنه) ← *gorsene-y-i* (گرسنگی)

kutâ (کوتاه) ← *kute-y-i* (کوتاهی، قصور)

gele (گله، شکایت) ← *gele-y-i* (گلگی)

xupâ (نگهبان خرمن از حمله خوک) ← *xupe-y-i* (نگهبانی خرمن از حمله خوک)

guyâ (گویا، سخنگو) ← *guye-y-i* (گویایی)

hamzomâ (هم داماد، باجناق) ← *hamzome-y-i* (باجناق بودن)

۳.۳.۱. نشانه مفعول در گویش رودباری (*â*) می باشد مانند:

yerâyon â bošustâm لباسها را شسته ام (۳۳)

حال اگر مفعول به واکه‌های *-â*، *-o* یا *-u* ختم شود، میان مفعول و نشانه مفعول، میانجی -*y* به کار می رود:

âbarde bâzi-y-â bebâxtam بازی برده را باختیم (۲۷)

ame šâli yâ xaray âkate در شالی ما شپشک افتاده است (۳۴)

te pâ yâ ogur پایت را بردار (۴۶)

mo i kelkâ yâ nexâstame من این دختر را نمی خواستم (۲۲۲)

mâyî xâš me galu yâ âše استخوان ماهی در گلویم فرو رفت (۳۲)

xo galu-y-âdægît گلوی مرا فشرد

mânto-y-âbexi مانتو را خرید

در اسم‌هایی که به واکه-e ختم شوند، این واکه حذف و نشانه مفعول *-â* افزوده می‌شود. مانند *xone* در مثال زیر:

çete ame xonâ biyâfti چگونه خانه ما را یافتی؟ (۱۱۲)

۴.۳.۱ در فاصله اسم‌ها و صفت‌های مختوم به واکه-i یا *-â* که با حرف ربط *o* به یکدیگر عطف می‌شوند، مانند:

musâ-y-o ali -y-o mo

موسی و علی و من.

۵.۳.۱ در ترکیبات اضافی، در صورتی که مضاف به واکه ختم شود، میان واکه و کسره اضافه، میانجی *-y-* می‌آید. مانند:

kârd e jâ mâi-y-e eškom â beškâtom

با کارد شکم ماهی را شکافتم (۴۴)

۶.۳.۱ وقتی اسم مختوم به واکه، با کسره اضافه به حرف اضافه پسین افزوده شود، میان اسم و کسره اضافه، میانجی *-y-* می‌آید، مانند:

vânjom â loyâvi-y-e miyon darinjin

گوجه فرنگی را داخل ظرف لعابی خرد کن (۷۱)

loymâ xo galu-y-e jâ jegit âdây xo xurdon â

لقمه را از گلوی خودش گرفت و به بچه‌هایش داد (۱۰۳)

۷.۳.۱ مضارع اخباری از فعل و به تعبیری، شناسه فعل *-ah* (بودن) درگونه جوئنی بدین صورت صرف می‌شود:

om، (هستم)، *i* (هستی)، *e* (هست)، *am* (هستیم)، *an* (هستید)، *on* (هستند)

که تمامی صیغه‌های آن با واکه آغاز می‌شود. وقتی واکه در جایگاه پایانی یک اسم یا صفت، با صیغه‌ای از فعل "بودن" مجاور شود، در تلاقی دو واکه از میانجی -y- استفاده می‌شود. مانند:

mo ali -y-om من علی‌ام

te del rezâ -y-e آیا دل تو راضی است؟

diri tâ lâ te çamberâ -y-om دیروز تا حالا چشم به راه تو هستم (۱۱۴)

۸.۳.۱ فعل‌هایی که ستاک گذشته آنها به واکه -i- یا -e- ختم می‌شود، مانند فعل‌های:

bexi (خرید)، âkəši (کشید)، beji (جوید)، âpeči (پیچید)، beči (چید)، beše (رفت) (ز: beze)

وقتی به شناسه‌هایی که با واکه آغاز می‌شوند (مانند شناسه‌های گذشته نقلی و گذشته شاده) وصل می‌شوند، در تلاقی دو واکه، از میانجی -y- استفاده می‌شود.

ye tâ mors e tâs bexi-y-âm

یک کاسه مسی خریده‌ام (۸۹)

ye kolu angir bexi-y-om

یک کیلو انگور خریدم (۱۷۳)

ame gandom â ge beči-y-am aham te re yâvar

گندم خودمان را که چیدیم به کمک تو می‌آییم (۲۷۹)

از آنجا که صفت مفعولی نیز از افزودن وند تکیه بر -e- به ستاک گذشته ساخته می‌شود، در ساخت صفت مفعولی از ستاک این گونه فعلها نیز همین قاعده اجرا می‌شود. مانند:

beze (ز: bezi-y-e← (زده شده)

bexi (خرید) ← bexi-y-e (خریده شده)

از آنجا که مصدر در گونه جوبنی از افزودن نشان مصدری -an به ستاک گذشته و با حذف پیشوند تصریفی از فعل ساده یا پیشوند فعلی از فعل پیشوندی ساخته می‌شود، در ساخت مصدر از این فعلها نیز همین قاعده اجرا می‌شود. این امر معمولاً با اشباع مصوتی همراه است:

beze (زد) ← -zi-y-an (زدن)

bexi (خرید) ← -xi-y-an (خریدن)

۹.۳.۱. فعلهایی که ستاک حال آنها به واکه -u ختم می‌شود وقتی به شناسه‌هایی که باواکه آغاز می‌شوند متصل می‌شوند، در صرف مضارع اخباری این فعلها دو وجه روا است که یک وجه آن، استفاده از میانجی -y- در تلاقی دو واکه می‌باشد. عمده‌ترین این فعلها عبارتند از:

gutan (گفتن) ← -gu

rutan (رُفتن) ← -ru

kustan (کوبیدن) ← -ku

مانند :

har če gu-y-om nokul kone

هرچه می‌گوییم بی‌توجهی می‌کند. (۲۶۱)

۱۰.۳.۱. در ساخت صفت نسبی از اسم‌هایی که به واکه (e) ختم می‌شوند، در فاصله دو واکه، میانجی -y- به کار می‌رود و یا اینکه دو واکه بدون میانجی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند که در این صورت واکه دوم همواره تکیه بر است:

čire (اخم) ← -čirei/čire-y-i (اخم)

kine (کینه) ← -kinei/kine-y-i (کینه‌ای)

این قاعده بویژه در ساخت صفت نسبی از جاینام‌ها پرکاربرد است:

←kafte /kafteikaft e-y-i/ (اهل روستای کفته)

←filede /filedei /filede-y-i/ (اهل روستای فیله)

←ganje /ganjei /ganje-y-i/ (اهل روستای گنجه)

بدین ترتیب ساخت صفت نسبی با اسم مصدر در گونه جوبنی یکی است و به کمک قرینه‌های معنوی از یکدیگر بازشناخته می‌شوند.

۱۱.۳.۱. مصدر در چند فعل مشخص درگونه جوبنی با پیش فعل یا وند تصریفی **be** آغاز می‌شود، مانند:

bebreštan (برشتن)

این فعلها درصورتی که با همخوان آغاز شود، میان وند و همخوان آغازین، میانجی **-y-** به کار می‌رود. مانند:

be-y-injiyan (انجیدن، خرد کردن، ترید کردن)

4.1 همخوان میانجی -k-

به طور کلی اسم مصغر در گویش رودباری از افزودن **-ay** به پایان اسم ساخته می‌شود. مانند **marday** (مردک) و **zenay** (زنک). اگر اسم به واکه **-e** ختم شود، این واکه در ساخت اسم مصغر حذف می‌شود و **-ây** به پایان اسم افزوده می‌شود. از آنجا که وند اشتقاقی **-ay** در حقیقت، شکل ابدال یافته **-ak** است، به همین دلیل در موارد تلاقی واکه‌ای، **-k-** باز می‌گردد و در فاصله دو واکه قرار می‌گیرد. یکی از موارد این تلاقی، قرار گرفتن اسم مصغر پیش از وند جمع **-on** می‌باشد، مانند:

Zen (زن) ← اسم مصغر: zenay ← جمع اسم مصغر: zena-k-on

kote (پسر) ← اسم مصغر: kotây ← جمع اسم مصغر: kotâ-k-on

xurde (بچه) ← اسم مصغر: xurdây ← جمع اسم مصغر: xurdâ-k-on

ولی در کاربرد زبان معمولاً به جای اسم جمع، جمع اسم مصغر را به کار می‌برند.

یکی دیگر از موقعیت تلاقی واکه‌ای، واقع شدن این اسم‌های مصغر پیش از نشانه مفعولی-â می‌باشد، مانند:

kuji xurdâ-k-â harifi

حریف بچه کوچک هستی؟ (۲۰۲)

البته وند ay- همواره نشانه تصغیر نیست، بلکه ممکن است متضمن معنای تحییب، تعریف و جز آن باشد.

۵.۱. همخوان میانجی -h-

در گویش رودباری، ستاک حال برخی فعل‌ها به واکه پایان می‌یابد، مانند فعل umiyan (آمدن) ستاک حال: -â و فعل šiyan (رفتن) ستاک حال: -še و فعل diyan (دادن) ستاک حال: -de و فعل biyan (بودن) ستاک حال: -be. در صرف مضارع اخباری از این فعلها و در تلاقی ستاک حال آنها با شناسه‌هایی که به‌واکه آغاز می‌شوند، -h- میانجی به کار می‌رود. واکه پایانی ستاک حال در این فعلها برای همگون‌سازی واکه (assimilation) متناسب با واکه آغازین شناسه، دستخوش دگرگونی می‌شود. در این حالت، تلاقی دو واکه به یکی از وجوه زیر خواهد بود: u-u ، a-a ، â-â و o-o

enekan hafte â-h-âm

هفته آینده می‌آیم (۴۸)

این صیغه‌ها معمولاً یک وجه صرفی دیگر هم دارند که در آن توالی دو واکه بدون میانجی دیده می‌شود و هجای دوم در همه موارد، تکیه بر است:

šo'om/šohom و ši'i/ši-h-i و šu'u/šu-h-u

در جدول زیر، مضارع اخباری دو نمونه از این فعل‌ها صرف شده است:

مصدر	اول مفرد	اول شخص	دوم شخص	دوم شخص	اول جمع	اول شخص	دوم شخص	دوم شخص
umiyan (آمدن)	â-h-âm	a-h-ay	â-h-ây	a-h-am	a-h-an	â-h-ân	so-h-	siyan
	so-h-	si-h-i/š'i'	šu-h-	sa-h-	sa-h-	so-h-		

on/so'on	an/sa'an	am/sa'am	u/su'u		om/so'om	(رفتن)
----------	----------	----------	--------	--	----------	--------

۶.۱. همخوان میانجی -j-

۱.۶.۱. در گونه جوبنی، برای ساخت صفت نسبی، وند تصریفی-آ- به پایان اسم افزوده می شود. مانند:

teyron (تهران) ← i-teyron (تهرانی)

rašt (رشت) ← i-rašt (رشتی)

اما اگر اسم مکان به واکه (i) پایان یابد، میان واکه پایانی و افزایه نسبت، میانجی -j- به کار می رود. مانند:

nesfi ← i-nesfi-j (اهل روستای نصفی)

piri ← i-piri-j (اهل روستای پیری)

۷.۱. همخوان میانجی -r-

میانجی -r- مختص به گویش رودبار نیست، بلکه در بیشتر گونه‌های گویشی از زبان‌های حاشیه دریای خزر (Caspian languages) دیده می شود، ولی از آنجا که این میانجی در زبان معیار وجود ندارد، در پژوهش‌های گویشی نیز تاکنون کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. برای مثال این میانجی در شکل پیشوندی از فعل خاستن (از ریشه -haiZ، ستاک ماضی ایرانی باستان -haišta* و ستاک مضارع -haiza*) در گویش گیلکی در -vi-r- ištān (پاینده، ۱۳۶۶:۱۲۳)، در گویش تالشی در -vi-r-ašte (مسرور، ۱۳۸۶:۲۹۶) و در گونه گیلوانی از تاتی خلخال در -ve-r-eâšte (سبزعلیپور، ۱۳۹۴:۲۹۵) دیده می شود. سبزعلیپور در بحث توصیف پیشوندهای فعلی تاتی انبوه رودبار، از -r- زاید سخن گفته‌اند که پس از برخی پیشوندهای فعلی می آید. تنها مثالی که ایشان در این باب ذکر کرده اند، vir.eštâ.y.en (برخاستن) می باشد که در آن، -vi- را پیشوند و r- را زاید دانسته اند. (سبزعلیپور، ۱۳۸۹:۹۳)

که به نظر می‌رسد همخوان ۲ در این مثال، اگرچه میان دو واکه قرار گرفته است، اصلی و -vir شکلی از پیشوند -bar باشد که بر فعل ایستادن (ریشه -stâ) وارد شده باشد. اما پورهادی نیز در بحث از نشانه مفعول در گونه گیلکی غرب گیلان، همخوان -۲- را که پس از اسم‌ها و ضمائر مختوم به واکه می‌آید، میانجی دانسته و شواهدی برای آن ذکر کرده است. (پورهادی، ۱۳۸۷: ۱۰۶)

در تاتی رودبار، میانجی -۲- در هم‌آیی پیشوندهای فعلی هم دیده می‌شود که جداگانه به آن خواهیم پرداخت. مهمترین بافت‌هایی که میانجی -۲- در آنها به کار می‌رود به شرح زیر است:

۱.۷.۱ گفتیم که در گویش رودباری، نشانه مفعول، (\hat{a}) است که بلافاصله پس از مفعول می‌آید:

ali hasanâ beze علی حسن را زد

اما اگر مفعول، ضمیر مفعولی مختوم به واکه -e باشد، میانین واکه و نشانه مفعول، همخوان میانجی -۲- می‌آید:

me -r-â xande bordi

مرا به خنده آوردی (۵۲)

ame -r-â bosujoniye

ما را سوزانده است (به تنگنا آورده است) (۱۸۰)

در این حالت، گاه نشانه مفعولی (\hat{a}) برای ایجاد همگونی واکه‌ای، به -e تبدیل می‌شود:

me -r-e bebâxš emru polâ šel bebiye

مرا ببخش امروز پلو شل شده است (۱۸۵)

در این زمینه میان گونه‌های تاتی رودبار تفاوت‌هایی دیده می‌شود. در برخی گونه‌ها مانند:

گونه دوآبسر، سرخن و گزن، در این موقعیت، به جای میانجی -f-، میانجی -b- به کار می‌رود. در گونه مرکزی رودبار، میانجی -f- فقط پس از ضمیر مفعولی *te* به کار می‌رود و پس از دیگر ضمایر، از میانجی -n- استفاده می‌شود:

o dâz â me -n-â âda

آن داس را به من بده. (هاشمی، ۱۳۹۰:۳۳۳)

on ixonâ te -r-â xây baxšian

او این خانه را به تو خواهد بخشید. (هاشمی تکلیمی ۱۳۹۱:۳۳۴)

۲.۷.۱. در گونه جوبنی هنگامی که پیشوند فعلی -â- به فعل *ištan* (هشتن: برخاستن، از ایرانی باستان -*hâišta**) (منصوری و حسن زاده، ۱۳۸۷:۱۲۲) برسد، در فاصله میان پیشوند و واکه آغازین، از همخوان میانجی -f- استفاده می‌شود:

demoâ-r-ištâm دیگر خسته شده‌ام. (۳۰)

در گونه مرکزی رودبار نیز در تلاقی پیشوند فعلی -u- با این فعل، از میانجی -f- استفاده می‌شود: *u-r-ištan* (برخاستن) که سنجیدنی است با *vi-r-ištan* (برخاستن) در گویش گیلکی (نوزاد، ۱۳۸۱:۴۷۵)، (مرعشی، ۱۳۸۲:۴۵۱) (پاینده، ۱۳۶۶:۱۲۳)

۳.۷.۱. در گونه جوبنی در تلاقی پیشوند فعلی -â- با فعل *injiyan/ enjiyan* (انجیدن، ریز کردن، ترید کردن)، همخوان میانجی -f- به کار می‌رود:

tor e jâ imon â â-r-enjiyom

با تبر هیزم‌ها را خرد کردم (۳۰)

۴.۷.۱. در تلاقی پیشوندهای فعلی (*â*)، و (*xu*) با هر یک از صیغه‌های مضارع اخباری فعل *ah-* (بودن) (*om, i, e, am, an, on*) که همگی به واکه آغاز می‌شوند، در گونه جوبنی از میانجی -f- استفاده می‌شود.

dâr â vuz â-r-e (بر درخت گردو است)

pul zemin xu-r-e (پول روی زمین ریخته است)

در برخی دیگر از گونه‌های گویشی رودبار همچون گویش دارستانی و لاکه‌ای، آلیزه‌ای و سرخنی صرفاً در تلاقی پیشوند فعلی -â و صیغه‌های فعل بودن، به جای میانجی -f- از میانجی -j- استفاده می‌شود:

dâr â xoj â-j-e (بر درخت، گلابی است)

te do'onâ šekar â-j-e (شکر در دهانت باشد)

۲. هم آیی پیشوندها در فعلهای پیشوندیگونه جوبنی

از آنجا که همخوان‌های میانجی j و r بطور گسترده در هم آیی پیشوندهای فعلی در گویش رودباری به کار می‌روند، شایسته است نخست پیشوندهای فعلی در گویش رودباری معرفی و توضیحات مختصری درباره آن داده شود و سپس به بررسی شواهد این دو میانجی پرداخته شود.

می‌دانیم که فعل در زبان فارسی به اشکال ساده، پیشوندی، مرکب، عبارت فعلی و فعل ناگذر (فعلهای لازم یک شخصه) مرکب دیده می‌شود. (ناتل خانلری، ۱۳۸۴: ۱۱۵) یکی از ویژگی‌های زبانهای حاشیه دریای خزر، بسامد فعل‌های پیشوندی در آنها است. فعل پیشوندی، فعلی است که از یک فعل ساده و یک پیشوند ساخته می‌شود. (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۸۶: ۲۴) پیشوندها به لحاظ زبانشناسی تاریخی، جانشین قیود یا حروف اضافه هستند و معانی‌ای همچون جهت، تأکید بر وقوع فعل و... را به فعل می‌افزایند. (خانلری، ۱۳۸۲: ۱۲۰) لازار پیشوندهای فعلی را قیدهایی می‌داند که معنای اصلی آنها کمابیش در فعل پیشوندی کمرنگ شده است. (لازار، ۱۳۸۴: ۳۲۳) یکی از ویژگیهای گویش رودباری، بسامد فعلهای پیشوندی و پیشوندی مرکب در آن است، به گونه‌ای که در آن بیشتر فعل‌ها پیشوندی یا مرکب پیشوندی هستند... علیزاده جوبنی در بررسی پیشوندهای فعلی گویش تاتی رودبار با تمرکز بر گونه جوبنی، پیشوندهای -â مانند â.git.an (باز گرفتن)، -e مانند e.git.an (فراهم کردن)،

bar.kord.an مانند bar- (بیرون کردن)، -da مانند da.gand.an (داخل کردن)، -je مانند je.git.an (فرو گرفتن)، -jo مانند jo.xot.an (فرو خفتن)، -xu مانند xu.čald.an (فرو فشردن) و شکل تخفیف یافته آن -xo مانند xo.kord.an (فرو ریختن)، -u مانند u.sbit.an (برمکیدن) و شکل تخفیف یافته آن -o مانند o.gut.an (برگرفتن) را ذکر کرده است. (علیزاده جوبنی، ۱۳۹۴:۱۶۲ و علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹:۱۹) که با استناد به شواهد فرهنگ تاتی رودبار (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹)، باید پیشوندهای -dar مانند dar.omi.yan (درآمدن)، -dâ مانند dâ.xond.an (کسی را صدا کردن) و -i مانند i.yâft.an (یافتن) و -bâ مانند bâ.šond.an (جنابندن گهواره) را هم به آنها افزود. در میان این پیشوندها، -je / -jə و -jo صورت‌های متفاوتی از پیشوند فعلی jir (زیر) و پیشوندهای -da و -dâ صورت‌هایی از پیشوند فعلی -dar هستند که در شرایط متفاوت آوایی دچار تخفیف و دگرگونی واکی شده‌اند.

در هم آیی دو پیشوند فعلی که اولی به واکه پایان یابد و دومی به واکه آغاز شود، از همخوان میانجی استفاده می‌شود. بدیهی است که هم‌آیی پیشوندهای فعلی تابع ضرورت‌های معناشناختی است و همه پیشوندهای فعلی که در بالا نام برده شد، در زبان کاربردی با یکدیگر تلاقی نمی‌کنند. استفاده از همخوان‌های میانجی در تلاقی پیشوندهای فعلی در گونه جوبنی هنگامی دیده می‌شود که یکی از پیشوندهای -â، -u یا -xu بر سر یک فعل پیشوندی که با پیشوند -o، -u یا -â آغاز می‌شود افزوده شوند. در چنین شرایطی دو واکه به یکدیگر برخورد می‌کنند. مثلاً هنگامی که پیشوند (u) بر فعل پیشوندی â.ši.yan (قرار گرفتن، قرار دادن) افزوده می‌شود، با چنین وضعیتی روبرو هستیم.

اما چه ضرورت‌های زبانشناختی یا معناشناختی، هم‌آیی دو پیشوند را ایجاد می‌کند؟

در برخی از فعل‌های پیشوندی، به مرور زمان و در اثر کثرت استعمال، پیشوند به مثابه جزئی از فعل درآمدن است و دیگر نقش قیدی و حرف اضافه‌ای را که به خاطر آن با فعل همراه شده است، ایفا نمی‌کند. به چنین پیشوندهایی اصطلاحاً پیشوند مرده (dead prefix) گفته می‌شود. به عبارت دیگر، پیشوندهای مرده پیشوندهایی هستند که نقش معنایی (semantic function) پیشوندها در آنها کمرنگ شده یا به کلی از میان رفته است. در این حالت، گاه پیشوند چنان به فعل پیوند خورده است که ساخت غیرپیشوندی فعل، منسوخ شده است.

(مانند آمدن در زبان فارسی معیار و اومین، آریشتن و اوریشتن در گویش رودباری) به همین دلیل گاه رفتار این فعل‌ها در صرف و نحو زبان، همانند فعل‌های ساده است و گاه آنها را در زمره فعل‌های ساده به شمار می‌آورند. مثلاً در ساخت منفی از فعل‌های پیشوندی، قاعداً وند نفی باید میان پیشوند و فعل قرار گیرد، حال آنکه ساخت نفی از u.mi.yan در گونه جوینی nu.mi.yan است که به مثابه فعل‌های ساده است. فرشیدورد می‌نویسد که در زبان فارسی امروز، پیشوند (â) در صفاتی چون "آبستن" و در مصدری چون "آمدن" و "آوردن"، پیشوندی مرده و غیرفعال به شمار می‌رود. (فرشیدورد، ۱۳۸۴: ۱۵۴) این در حالی است که پیشوند "آ" در فعل "آوردن"، جزئی معنادار بوده و برای افزودن معنای ضدیت و تضاد به خدمت گرفته شده، چنانکه â.burt.an در تقابل با burt.an ساخته شده است. همچنین فعل "آمدن" مرکب از پیشوند و جزء فعلی-gmata* از ریشه gam- بوده و پیشوند â- در آن جهت حرکت به سمت متکلم را افاده می‌داده است. (حسن دوست، ۱۳۹۳: ۱۱۱ و منصوری و حسن زاده، ۱۳۸۷: ۲۱) به همین دلیل، نیازهای زبانی ایجاب می‌کند که بر برخی از فعل‌های پیشوندی، برای افزودن معنای جهت، تأکید، حالت و... مجدداً پیشوند وارد شود. از این رو در فارسی معیار نیز بر فعل "آمدن" که خود در اصل، فعل پیشوندی بوده است، مجدداً پیشوند افزوده شده و در فعل‌های برآمدن، بازآمدن، درآمدن، فرو آمدن، فرود آمدن و... شاهد تلاقی دو پیشوند هستیم. در تاتی جوینی هم بر فعل u.mi.yan (آمدن) مجدداً پیشوندهایی وارد می‌شود، چنانکه u.r.u.mi.yan به معنای حرکت کردن خمیر به سمت بالا (ور آمدن خمیر) به کار می‌رود.

۱.۲. همخوان میانجی -۲- در هم آیی پیشوندهای فعلی در گونه جوینی

۱.۱.۲. هنگامی که پیشوند فعلی-u به پیشوندهای فعلی-u مانند umiyan (آمدن)، یا به پیشوند فعلی-o مانند ordan (آوردن) و یا به پیشوند فعلی-â مانند âšiyān (قرار گرفتن / قرار دادن) و âbiyan (بریدن) افزوده شود، میانجی-۲- میان دو واکه فاصل می‌شود:

umiyan (آمدن) ← u-r-umiyan (ور آمدن و بالا آمدن خمیر) (۵۱)

همین ویژگی در ساخت متعدی فعل هم دیده می‌شود:

ordan (آوردن) ← u-r-ordan (پیش آوردن، تحقق بخشیدن) xodâ umarore (خدا برای کسی پیش نیاورد)

âšīyan (قرار گرفتن/ قرار دادن) ← u-r-âšīyan (هم زدن مایعات)

âbiyan (بریدن) ← u-r-âviyan (فرو بلعیدن) در گونه دارستانی

2.2. همخوان میانجی -j- در هم آیی پیشوندهای فعلی

هنگامی که پیشوند فعلی -â- بر روی پیشوند فعلی u-مانند umiyan (آمدن) یا بر پیشوند فعلی o- مانند ordan (آوردن) در آید و یا هنگامی که پیشوند فعلی -xu- بر پیشوند فعلی -o- مانند ordan یا u- مانند umiyan (آمدن) وارد شود، در تلاقی پیشوندهای فعلی، میانجی -j- به کار می رود. در این موقعیت، گاه فعل umiyan با تخفیف واکه‌ای به omiyan تبدیل می شود:

umiyan (آمدن) ← â-j-omiyan (به حالتی در آمدن)

gav âjome به سخن درآمد (۲۹)

xâ zâr âjây می خواهد به گریه بیفتد.

ordan (آوردن) ← â-j-ordan (حالتی را در انسان، حیوان یا چیزی ایجاد کردن)

ordan (آوردن) ← xu-j-ordan (بسیار بار آوردن درخت)

در وجه واداری از فعل ordan نیز این قاعده جاری است و معمولاً میانجی -j- در آن به میانجی -č- ابدال می شود:

xu-č-uruniyan ← uruniyan

در فعل u-r-u-j-umiyan که گاه به جای u-r-umiyan (ورآمدن خمیر) به کار می رود نیز پیشوندها بواسطه دو میانجی -r- و -j- در کنار یکدیگر به کار می روند:

u-r-u-j-umiyan ← (آمدن) umiyan

جدول پراکندگی همخوان‌های میانجی در هم‌آیی پیشوندهای فعلی در گونه جوئنی

پیشوند فعلی اول	همخوان میانجی	پیشوند فعلی دوم	شواهد
u	-r-	o	u-r-ordan
u	-r-	â	u-r-âšīyan/ u-r-âviyan
u	-r-	u	u-r-umiyan/ u-r-u-j-umiyan
xu	-j-	o	xu-j-ordan/ xu-j-u-r-uniyan
â	-j-	o	â-j-omiyan / â-j-ordan

جدول پراکندگی همخوان‌های میانجی در گونه جوئنی بر پایه مهمترین فعل‌ها

پیشوند فعل	â	u	xo
umiyan (آمدن)	â-j-omiyan	u-r-umiyan u-r-u-j-umiyan	-
ordan (آوردن)	â-j-ordan	u-r-ordan	xu-j-ordan
oroniyan (وجه واداری)	-	-	xu-j-uruniyan
ištan (برخاستن)	â-r-ištan	-	-
injiyan (خرد کردن)	â-r-enjiyan	-	-
âšīyan (حرکت دادن)	-	u-r-âšīyan	-

نتیجه گیری

همخوان‌های میانجی که از بررسی شواهد واژگانی در گونه جوبنی از گویش تاتی رودبار شناسایی شده‌اند و در هنگام همنشینی دو واکه به کار می‌روند عبارت از -k-، -n-، -y-، -h-، -g-، -j- و -r- می‌باشند که از میان آنها تنها میانجی‌های -j- و -r- در فاصله دو واکه در تلاقی پیشوندهای فعلی به کار می‌روند. از بررسی شواهد آشکار می‌شود که پربسامدترین میانجی در گویش جوبنی، میانجی -y- می‌باشد. میانجی -g- کمترین بسامد را دارد و تنها در ساخت اسم مصدر به کار می‌رود. میانجی -j- نیز تنها در ساخت صفت نسبی به کار می‌رود. میانجی -h- تنها در فاصله فعل و شناسه و در تلاقی دو واکه همنام به کار می‌رود. اما استفاده از همخوان‌های میانجی -j- و -r- در تلاقی پیشوندهای فعلی، معمولاً در موقعیت‌هایی دیده می‌شود که یکی از پیشوندهای -â-، -u یا -xu بر سر یک فعل پیشوندی که با پیشوند -o-، -u یا -â- آغاز می‌شود، افزوده شوند. از میان این پیشوندهای فعلی، منحصرأ پیشوند -u- گاهی در کنار پیشوند همنام خود قرار می‌گیرد که در اینصورت در فاصله آن دو همواره از میانجی -r- استفاده می‌شود.

پانویس ها

۱. از آنجا که تلاقی واکه‌ای معمولاً در فاصله میان دو واژه رخ می‌دهد، حتی‌المقدور از جمله‌ها و عبارت‌ها به عنوان شاهد استفاده شده است.
۲. عبارت‌ها و شواهدی که در این مقاله مورد استفاده قرار می‌گیرند از نخستین فرهنگ واژگان گویش تاتی (علیزاده جوبنی، ۱۳۸۹) استخراج شده است که تنها واژه نامه از گونه جوبنی می‌باشد. برای پرهیز از تکرار، در ارجاع به این منبع، به شماره صفحه اکتفا شده است؛ بدیهی است که هنگام ارجاع به سایر منابع، اطلاعات منابع، ذکر شده است.

منابع

- استاجی، اعظم و سادات حسینی، زهرا (۱۳۸۹) تحلیل صامت میانجی در گویش شاهرودی از لحاظ نحوی، همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران، ۲۰۹/۲۲۲.
- اصلاح عربانی، ابراهیم (۱۳۸۷)، کتاب گیلان، جلد پنجم، چاپ اول، تهران: گروه پژوهشگران ایران.
- انوری، حسن و احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۶) دستور زبان فارسی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: فاطمی.
- ایزدی فر، راحله (۱۳۹۴)، ساخت تجربه‌گر در گویش تاتی جوبنی، مجموعه چکیده مقالات نخستین همایش زبانشناسی نقش‌گرا، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.
- پاینده لنگرودی، محمود (۱۳۶۶)، فرهنگ گیل و دیلم، چاپ نخست، تهران: امیرکبیر.
- پورهادی، مسعود (۱۳۸۷)، زبان گیلکی، چاپ نخست، رشت: ایلیا.
- حسن دوست، محمد (۱۳۹۳)، فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- حق شناس، علی محمد (۱۳۷۰)، نقش‌های دوگانه همزه در ساخت آوایی... فارسی، مقالات ادبی، زبانشناختی، تهران، انتشارات نیلوفر.
- سبزعلیپور، جهان‌دوست (۱۳۸۹)، زبان تاتی (توصیف گویش تاتی رودبار)، چاپ نخست، رشت: ایلیا.
- سبزعلیپور، جهان‌دوست (۱۳۹۴)، گنجینه گویش‌های ایرانی (تاتی خلخال)، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- شقاقی، ویدا (۱۳۷۸)، بررسی التقای واکه در زبان فارسی؛ تکواژ میانجی یا واج میانجی، متن پژوهی ادبی، شماره ۹ و ۱۰، صص ۱/۱۴ پاییز و زمستان ۷۸.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۶۵)، التقای واکه‌ها و مسأله همخوان میانجی، مجله زبانشناسی، سال سوم، شماره دوم صص ۳ تا ۲۲.

صادقی، علی اشرف (۱۳۸۰)، مسائل تاریخی زبان فارسی، تهران: سخن.

علیزاده جوبنی، علی (۱۳۸۹)، نخستین فرهنگ گویش تاتی رودبار، رشت: ایلیا.

علیزاده جوبنی، علی (۱۳۹۴)، فعل‌های پیشوندی در گویش تاتی رودبار، زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، ویژه‌نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، شماره پنجم، شهریور ۱۳۹۴ (۱۵۹/۱۷۲).

حاجی زاده جوبنی، مهران (۱۳۹۰)، "بررسی ساختار واجی و صرفی گویش جوین رودبار"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه پیام نور.

فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۴)، دستور مفصل امروز، چاپ دوم، تهران: سخن.

لازار، ژیلیر (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی معاصر، مترجم: مهستی بحرینی، تهران: هرمس.

مرعشی، احمد (۱۳۸۲)، واژه‌نامه گویش گیلکی، چاپ دوم، رشت: طاعتی.

مشکوٰۃ‌الدینی، مهدی (۱۳۸۰)، دستور زبان فارسی (واژگان و پیوندهای ساختی)، تهران: سمت.

منصوری، یدالله و حسن زاده، جمیله (۱۳۸۷)، بررسی ریشه‌شناختی افعال در زبان فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۴)، تاریخ زبان فارسی، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران: فرهنگ نشر نو.

ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۴)، دستور زبان فارسی، چاپ بیستم، تهران: توس.

نجفی، ابوالحسن، (۱۳۵۸)، مبانی زبان‌شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد.

نوزاد، فریدون (۱۳۸۱)، گیله‌گب، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.

هاشمی تکلیمی، سید نورالدین (۱۳۹۱)، پژوهشی در گویش رودباری (همراه با دستور گویش)، چاپ نخست، رشت: حرف نو.